

عبدالحمید ابوالحمد

رمان سیاسی در ایران

تحقیق و نوشتن دربارهٔ داستان و رمان نویسی در ایران، چندی است که آغاز شده و کتابهایی نیز در این زمینه انتشار یافته است. اما در زمینهٔ رمانهای سیاسی به ویژه به صورتی که تمام داستان آن در ایران نویسی را دربرگیرد هنوز نوشته و پژوهشی در دست نیست و شاید این نخستین بار باشد که در این باره تحقیقی منتشر می‌شود. آنچه می‌خوانید نوشتاری است بر زمینهٔ «مانعای سیاسی» که آقای دکتر ابوالحمید استاد دانشگاه تهران سالهای در «مشغول» بود. یادداشت‌های مربوط به آن را در طول سالها فراهم آورده است. اینک به منده یادداشت‌های آن یادداشتها را تنظیم و آمادهٔ انتشار کرده است. آدینهٔ فصد دارد در شماره‌های آینده (و نه لزوماً «پی‌درپی») پژوهش دکتر ابوالحمید را منتشر کند. اینک بخش نخست:

پیش‌نیازیم که بی‌تعریف از سیاست، تعریف رمان سیاسی آسان نخواهد بود و از سیاست امروز بیش‌تر سیاست‌شناسان و جامعه‌شناسان سیاسی یکی از دو تعریف گسترده و محدود سیاست را که به هم نزدیک است، پذیرفته‌اند: ۱- برطبق تعریف گسترده یا جامعه‌شناسانه، سیاست هرگونه اعمال قدرت از سوی هرکس یا گروه بر کسان و گروه‌های دیگر در درون یا بیرون مرزهای جامعه سیاسی، (کشور) است، ۲- تعریف محدودتر، سیاست را فقط اعمال قدرت از سوی قدرت حاکم (دولت) در داخل یا خارج مرزهای کشور می‌داند. با تعریف گسترده، هدف علم سیاست یا جامعه‌شناسی سیاسی، تحقیق و بررسی و شناختن همهٔ پدیده‌های قدرت در جامعهٔ سیاسی است که

از انتشار نخستین رمان یا داستان بلند اجتماعی و سیاسی «سفرنامه ابراهیم بیک یا بلای عصب او» حدود سال ۱۲۶۶ خورشیدی تا تازه‌ترین آن «رازهای سرزمین من» در ۱۳۶۶، یک‌سده می‌گذرد. در این زمان دراز دست‌آورد در زمینه رمان، به ویژه رمان سیاسی جز چند اثر انگشت‌شمار که از آن‌ها در این گفتار نام برده خواهد شد، چندان درخشان و پررنگ نبوده است. همچنین دگرگونی‌ها در این پهنه از فعالیت هنری کند و برهنگراز و فرود بوده و بی‌گمان کل فضای سیاسی و اجتماعی کشور در پیدایی چنین وضعی مؤثر بوده است.

رمان سیاسی چیست و به کدام اثر هنری و داستان بلند رمان سیاسی گفته می‌شود؟ از

از سوی دولت یا کسان، گروه‌ها، حزب‌ها و جمعیت‌های سیاسی دیگر اعمال می‌شود و با تعریف محدود، علم سیاست و جامعه‌شناسی سیاسی فقط آن قدرت‌هایی را برمی‌رسد که از دولت ریشه می‌گیرد. این نکته را نیز بیاوریم که پدیده و مسئله‌های سیاسی بی‌گمان جزئی از کل پدیده‌های اجتماعی است ولی هرحیت و انتقاد از مسائل و رابطه‌های اجتماعی در ادبیات، داستان و رمان مربوط به زمینهٔ سیاسی نمی‌شود. برای این که رمان مفهوم سیاسی داشته باشد باید در پیوند با تعریفی باشد که از سیاست شد. با این دید و مفهوم از سیاست، همه نوشته‌هایی که از رابطه قدرت سخن می‌گویند، به گونه‌ای سیاسی است و رمان سیاسی داستان بلندی است که زندگی قهرمان یا شخصیت‌های اصلی داستان و گاهی راوی‌اش با قدرت سیاسی حاکم پیوند خورده است، خواه در نبرد با این قدرت، سرپیچی و گریختن از فشارها و خشونت‌هایش، خواه در پشتیبانی و تأیید آن. و همچنین داستان‌هایی که مخاطبان‌ش را از پرداختن و نزدیک شدن به سیاست باز داشته و دور می‌دارد به گونه‌ای سیاسی است. زیرا اغلب دولت‌ها نمی‌خواهند که مردم به فعالیت سیاسی بپردازند، مگر این که حضور مردم در عرصهٔ سیاست فقط در جهت پشتیبانی از دولت بوده و به سودش باشد.

اغلب چنین می‌پندارند که رمان آن‌گاه سیاسی است که در مخالفت و مبارزه با دولت

و قدرت سیاسی حاکم نوشته شده باشد و نه در تایید و پشتیبانی از آن. چنین اندیشه‌ای را بیش‌تر گروه‌های چپ پراکنده‌اند و از دید اینان ادبیات و هنر متعهد، یعنی ادبیاتی که با قدرت حاکم از در ستیزه‌جویی درآید و نویسنده و هنرمند متعهد باید با بی‌عدالتی و ستم بستیزد زیرا تنها قدرت حاکم است که می‌تواند ستمگر باشد. چنین بینشی از ادبیات متعهد و سیاسی هرچند در بسیاری از موردها درست است، همیشه و همه‌جا درست نیست. چون عدالت و ستم برای همه نویسندگان و هنرمندان یا مردم جامعه مرز و ضابطه دقیق خوب یا بد بودن یک حاکمیت نیست و برای انبوهی از مردم و حکومت‌شوندگان ضابطه‌های دیگر، مانند آزادی، استقلال و... می‌تواند همان اندازه باارز، دوست-داشتنی و قابل دفاع باشد که عدالت. اگر با این دید به ادبیات سیاسی ننگریم همه اثرهای هنری و ادبی که هم‌اکنون در شوروی، چین، کوبا، الجزایر، لیبی، ویتنام و... در دفاع از نظام سیاسی حاکم و دولت پدید آمده و می‌آید، سیاسی و متعهد نیست و "دکتر زیواگو" تنها رمان سیاسی خواهد بود که از انقلاب اکتبر تا امروز در درون شوروی نوشته شده است، زیرا بوریس پاسترناک در این رمان از نظام سیاسی شوروی انتقاد می‌کند، درحالی که اغلب نویسندگان و هنرمندان، "دن آرام" یا "زمین نوآباد" را از ادبیات سیاسی و متعهد می‌دانند. در جهان امروز که چهارچوب کشور - ملت یا قالب ملی، بزرگ‌ترین و واقعی‌ترین پهنه و عرصه سیاست است، رمان سیاسی باید بتواند واقعیت‌های زندگی ملی را بنمایاند و گرنه کم‌ارز بوده و پیامش برای انبوه خوانندگان بومی نامفهوم خواهد بود. بی این که از یاد ببریم، اثری مانند "۱۹۸۴" جرج اورول که رمان سیاسی تخیلی است و به ظاهر بیرون از قالب‌های ملی روی می‌دهد، برکنار از تاثیرهای قالب ملی نیست. چون نویسنده دوقطبی شدن جهان را که در دو کشور - ملت با دو نظام سیاسی متفاوت متبلور شده، نشان می‌دهد و این دو ابرقدرت همه قالب‌های ملی دیگر را نابود کرده زیر سلطه خود درآورده‌اند و تمامی رویدادهای جهان به رهبری آن‌ها است.

باری این که از قدرت حاکم در داستان‌ها و قصه‌ها، انتقاد شود، رویداد تازه‌ای نیست و همیشه به گونه‌های ادبیات و هنر با آن آشنا بوده است. چنان که در "کلیله و دمنه" یا "داستان‌های بیدپای" که از کهن‌ترین قصه‌های هند و اروپایی است از زبان جانوران درباره قدرت حاکم و دست‌بندی‌های پیرامونین قدرت حاکم (شیر، شاه جنگل) سخن رفته است.

جنگل در "داستان‌های بیدپای" جامعه انسانی و شیر همان شاه یا امیر حاکم بر این جامعه است و باب برزویه طبیب (مقدمه کتاب) نیز جدا از قصه‌های کتاب، سند مهمی در انتقاد از وضع اجتماعی و سیاسی زمان نویسنده است. در پاره‌ای از داستان‌های "هزارویک شب" نبرد با قدرت حاکم به روشنی به چشم می‌خورد بی این که فراموش شود که کل داستان پیکار زن یا انسان است در برابر سرنوشت و قدرت حاکم برای زنده ماندن، در "سک عیار" این نخستین رمان زبان فارسی سخن‌هایی از رابطه کسان و مردمان با قدرت حاکم است. "جوامع الحکایات و لوازم الروایات" سدید - الدین عوفی که یک اثر تاریخی و ادبی است، سخن‌ها و اشاره‌هایی دورآور از رابطه کسان و مردمان با قدرت حاکم دارد. پس از چندین سده خاموشی و فترت در داستان‌نویسی، نزدیک‌تر به روزگار ما داستان‌های عامیانه، "حسین کرد شستری"، "رستم نامه" و "امیر ارسلان" پدید می‌آید که در آن‌ها نکته‌هایی کوتاه و پوشیده در رابطه مردمان با قدرت حاکم دیده می‌شود.

اگر روزگاردرازی میان داستان‌های سنتی

● نخستین رمانهایی که به

فارسی نوشته شده همگی اجتماعی و سیاسی است چون نویسندگان احساس می‌کردند که وظیفه دارند از فساد دستگاه حاکم انتقاد کنند.

● بحث درباره وضع بد

زنان در پیرامون سالهای ۱۳۰۰ موضوع روز بود و نویسندگان بسیاری در این زمینه رمان نوشتند. *بال حاکم علوم انسانی*

تا پیدایی داستان‌های عامیانه و سپس داستان‌های بلند یا رمان‌ها که آغاز آن کمی پیش از انقلاب مشروطه است، فاصله می‌افتد، شاید به این دلیل باشد که شعر آن چنان فضای فرهنگی ما را پر کرده است که کم‌تر جا برای گونه‌های دیگر تولید ادبی و هنری باقی می‌گذارد. قصه‌ها نیز به زبان شعر است و رضا براهنی در این باره می‌نویسد: "... ادبیات، هم شعر و هم قصه و نمایشنامه، بطور کلی آن چیزی است که بر آن نوعی قصه‌گویی حاکم است..." (ص ۱۵ قصه‌نویسی، انتشارات نشر نو)، نوشته براهنی راسر می‌بود اگر موسیقی، نقاشی، پیکرتراشی، سینما، رقص را نیز در کنار شعر و نمایشنامه می‌گذاشت،

زیرا همه این گونه‌های ادبی و هنری، واقعه‌ای را بیان می‌کند و سخن جمال میرصادقی با همه کوتاهی‌اش در این زمینه رسا است: "داستان نقل وقایع است..." (ص ۲۱ عناصر داستان، انتشارات شفا). در "جنبه‌های رمان" ادوارد مورگان فوستر (انتشارات جیبی) و "رسالت زبان و ادبیات" آلکسی تولستوی، تعریف روشن و دقیق‌تری از داستان و رمان نشده است. ولی رلان پارت وظیفه داستان را فقط روایت وقایع نمی‌داند بلکه "توصیف و روایت" باهم می‌داند، بی این که تفاوت توصیف و روایت را به روشنی بیان کرده باشد (نقل از ص ۲۱۷ سرچشمه‌های داستان کوتاه فارسی کریستف بالائی و میشل کویی پیرس، ترجمه احمد کریمی حکاک، انتشارات پایپروس ۱۳۶۶) و با این دید و تعریف از داستان همه شاهکارهای بزرگ ادبیات فارسی که سعدی، حافظ، نظامی، گنجوی، مولوی، فردوسی، فخرالدین گرجانی و صدها تن دیگر پدید آورده‌اند، داستان‌هایی است. شعر، شاید بتوان گفت برای روزگاری که خواندن و نوشتن گسترش نیافته بود و صنعت چاپ نیز هنوز نبود، شعر در فشرده‌گی و کوتاهی و قالب آهنگین و موسیقی گونه‌اش بهتر می‌توانست قصه‌ها را در ذهن جای‌گزین کند، و می‌دانیم در همه روزگاران و در همه تمدن‌ها قصه‌گویان حرفه‌ای بودند که با شعر، آواز، موسیقی، حرکت‌ها و مانند آن برای مردم قصه می‌گفتند (نگ به: "دنیای قصه‌گویی" نوشته آن پلووسکی، ترجمه محمدابراهیم اقلیدی، انتشارات سروش ۱۳۶۴). همچنین اغلب برای فهمیدن و لذت بردن از شعر، دانش و فرهنگی بالاتر از فرهنگ متوسط انبوه مردم نیاز است، و شعر تنها برای ارزش هنری‌اش مورد اقبال نیست، بلکه بیان فلسفه، تاریخ، اخلاق و بسیاری از روی داده‌های اجتماعی با شعر تبیین می‌شود و آثار غیرشعری و به نثر، استثنایی و کم است. پس رفتن نثر و رمان در برابر شعر و نوشته‌های منظوم شاید از زمان مغول به بعد بوده باشد. یادآوری کنیم نثر - که حسین خطیبی آن را نثر فنی می‌نامد که هدف اصلی‌اش معنی است و نه زیبایی - نه تنها در برابر شعر گذاشته می‌شود، بلکه با نظم نیز یکی نیست و میان آن دو تفاوت‌هایی است که به گستردگی و با زبانی رسا در کتاب "فن نثر در ادب پارسی" نوشته حسین خطیبی، انتشارات زوار، ۱۳۶۶، آمده است.

باری اگر ادبیات همه سخن‌های ثبت شده است، رمان به مفهوم امروزی نوشته‌ای است به نثر یا نثر فنی که واقعه‌ای روایت می‌کند. جمشید ایرانیان در "واقعیت اجتماعی و جهان

داستان" به نقل از لوکاج نظریه پرداز بزرگ ادبیات، پیدایی رمان یا داستان بلند را همگام با رشد جامعه صنعتی و به قدرت رسیدن بورژوازی یا سرمایه داری نومی داند و از او درص ۱۹ همین کتاب می خوانیم: "رمان حماسه زمانی است که کلیت برونی زندگی راستاراست نمایان نیست، زمانی که در آن بقا یعنی با زندگی ناسازگار گشته ولی با اینهمه از نگرش بسوی کلیت باز نایستاده است". بیان مفهوم ساده سخن لوکاج این است که با از هم پاشیدگی جامعه ساده کشاورزی و فتودال و با از میان رفتن همگنی و یکپارچگی فضای فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و سیاسی این جامعه، فرد احساس جدایی، تنهایی و بیگانگی با جامعه ای که در آن می زیست (جامعه پیچیده صنعتی)، می کند و رمان می تواند دید کلی از زندگی جامعه بزرگ یا جامعه کشوری بدهد. ولی چنین دیدی از رمان اغلب با واقعیت یکی نیست و بیشتر رمان ها از رویدادهای ویژه ای سخن می گویند. نویسندگانی که جامعه را در کلیت و با جنبه های گونه گون آن بررسی کرده اند مانند ویکتور هوگو و بالزاک در فرانسه، دیکنس در انگلیس، تولستوی و گورکی در روسیه، جک لندن در آمریکا، سلمان رشدی در هند، گابریل گارسیا مارکز در آمریکای لاتین، صادق هدایت و محمود دولت آبادی در ایران، بسیار کم و استثنایی اند. گسترش رمان همگام با رشد بورژوازی دلیل ساده تری دارد که همان گسترش خواندن و نوشتن توده مردم و پیشرفت صنعت چاپ است و داستان بلند و رمان در میان گونه های ادبی و هنری برای انبوه مردم قابل فهم تر است و چنین می اندیشند که برای فهمیدن آن جز توانایی خواندن، نیازی به دانش و آگاهی های ویژه ای ندارند. نویسندگان رمان ها نیز در جستجوی خوانندگان بیشتر، اغلب به زبان ساده، عامیانه و توده مردم می نویسند و موضوع هایی را برای نوشتن برمیگزینند که بتوانند خوانندگان بیشتری داشته باشند و رمان آن پیچیدگی هایی که در دیگر فعالیت های ادبی و هنری هست، ندارد.

درباره نوشته های ادبی و هنری مسئله ای که از دیرباز بحث انگیز بوده، مسئله ادبیات متعهد و غیرمتعهد یا ادبیات مسوول و ادبیات غیرمسوول است که در ایران نیز همیشه در باره نویسندگان گفته می شده است و شاید بار نخست به گونه ای گسترده در "نخستین کنفره نویسندگان ایران، تیرماه ۱۳۲۵"، از سوی شرکت کنندگان این گردهمایی بحث شده است. سخن پیرامون ادبیات متعهد و غیر متعهد یا نویسنده مسوول و غیرمسوول در واقع همان بحث ادبیات سیاسی یا غیرسیاسی

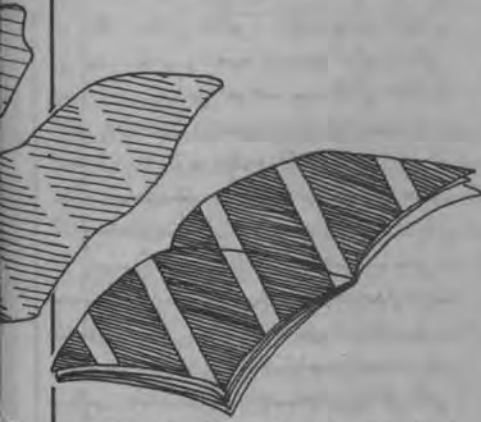
است و این بحث را از آغاز سده بیستم میلادی بیش از همه و پیش از دیگران، مارکسیست ها به راه انداخته اند و ریشه این اندیشه چنین است که چون جامعه انسانی به طبقات استثمارگر و استثمارشونده تقسیم شده است، نویسنده باید تعهد خود را نسبت به کارگران که طبقه استثمارشونده است و جنبش پرولتاریایی که آینده ساز است بنمایاند. (نگاه کنید به: "درباره ادبیات" از گئورگی پلخانوف، انتشارات رواق و "مارکسیسم و نقد ادبی" از تری ایگلتن، انتشارات رزم). پس از پیروزی انقلاب اکتبر در روسیه و پذیرفته شدن مارکسیسم به عنوان جهان نگر رسمی دولت شوروی، حزب ها و گروه های وابسته به شوروی در جهان نیز همین نظریه رسمی را در کشورهایشان پراکندند و در ایران نیز چنین شد و گاه درازای این دید یکسویه توانست بر اندیشه ها چیره شود.

سخن بر سر این نیست که آیا هنر و ادبیات می تواند یا نمی تواند متعهد باشد یا نباشد، بلکه سخن بر سر چگونگی این تعهد است و با "باید" و "نباید" نمی توان به آن نگرست. بی گمان هنر و ادبیات نمی تواند دور و برکنار از خاستگاه اجتماعی اش بوده و با آن بیگانه باشد و همیشه در آثار هنرمندان و نویسندگان فضای سیاسی و اجتماعی به گونه ای آگاهانه یا ناآگاه روی نموده و خواهد نمود. ولی این که از سوی قدرت سیاسی حاکم اعلام شود که ادبیات باید در راستا و راه های ویژه ای گام بگذارد و اندیشه های رسمی را بپراکند و همه راه ها را برای دیگرانی که نمی خواهند چنین نگرشی را بپذیرند، ببندند، سخن مستبدانه و ناروایی است و دست آوردهایی از این گونه برای هدف های تبلیغاتی خوب است و اگر تپه از اندیشه نباشد، اغلب شرمگین و در حال ادبیات رسمی است. با فرمان و امتیازها همیشه می توان نویسندگانی را به خدمت گرفت و خرید ولی آنچه که اینان پدید می آورند برای قدرت حاکم و فرهنگ و بازار رسمی است. از این دید و تاکید و مفهوم تازه از متعهد و مسوول بودن ادبیات و هنر که از بیرون مرزهای کشور آمده است بگذریم، هنر و ادبیاتی که ماندگار شده است و در درازای چندین سده و گاهی هزاره همچنان می درخشد، اغلب ادبیات متعهد بوده که به جنبه های اجتماعی پرداخته و به صورت جد یا هزل، آشکار یا با پرده پوشی، به استعاره یا مستقیم از ستم، ناروایی ها، ربا، دروغ و... سخن گفته است.

ولی رمان یا داستان بلند به مفهوم نو آن، در پیوند با فرهنگ غرب در ایران پدید

می آید. تازه و نو به این مفهوم است که شخصیت ها و قهرمانان این داستان ها آدم های زمینی اند مانند دیگر مردم جامعه با همان درد و رنج، شادی و اندوه و گرفتاری ها که در پهنه زندگی و جنبش رویدادها با همه توانایی ها و ناتوانی های انسانی می خواهند راه حلی برای دشواری های شان بیابند و کوشش ها و نبرد اغلب فردی و در تنهایی است. چنان که جان بک در "شیوه تحلیل رمان" می گوید: "داستان، مبارزه یک فرد خاص و جامعه وی را ثبت می کند... هر داستان خاص می تواند تعدادی از این تضادها را درهم ادغام کند... اما این تضاد اصلی باید از ابتدا مشهود باشد" - (تهران نشر مرکز ۱۳۶۶، ص ۱۶).

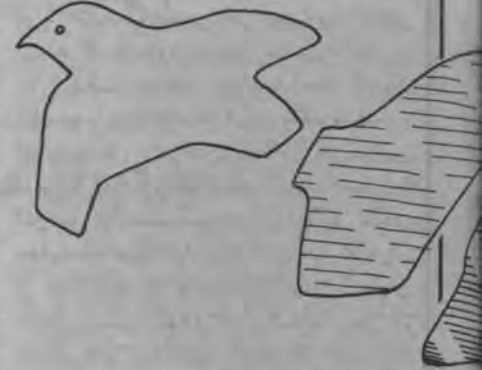
همه پدیده های دیگر ادبی و هنری به گونه ای تنگ تنگ یا واقعیت ها پیوند دارد و آن را بازگویی می کند، شاید بتوان گفت رمان



ملزم است و وظیفه دارد زندگی را به گونه ای که در واقع و عمل هست بنمایاند و روایت و توصیف کند. رمان همه حوزه ها و قلمروهای زندگی انسانی را که به گمان می آید دربر می گیرد و چون زندگی همیشه در جایی روی می دهد، رمان نیز نمی تواند جدا از زمان و مکان باشد. یعنی آن چه در پاریس، توکیو، لندن، مسکو، نیویورک یا تهران روی می دهد رمان باید بنمایاند که در چه تاریخی و در کجا پدید آمده است با این دید، رمان همانند یک اثر هنری است، در این زمینه هلن گاردنر در "هنر در گذر زمان" چنین نوشته است: "با آنکه روش بنیادی طبقه بندی هنری بر تشخیص زمان آفرینش آنها استوار است، طبقه بندی برحسب مکان آفرینش نیز اهمیت دارد" (انتشارات آگاه، ۱۳۶۵، ص ۱۶).

با این همه رمان تاریخ نیست و نویسنده در کار ادبی و هنری اش آزاد است فقط پاره ای از واقعیت را نشان دهد و روی آن انگشت

بگذارد. یا حتی کل فضای پیرامون را فراموش کرده و بی نگاه به آن رویدادها را بیاورد. از این رو هیچ‌گاه از روی یک یا چند رمان نمی‌توان به کل فضای اجتماعی و سیاسی دوره‌ای پی برد، بی این که استثناء در مورد نویسندگان بزرگ فراموش شود. چنان که بالزاک با توانایی کم‌مانندش در نویسندگی توانسته است کل فضای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی فرانسه را در یک دوره (۱۷۹۹ تا ۱۸۵۰ میلادی) با همه ریزه‌کاری‌هایش نشان دهد که بسیاری از مورخان، جامعه‌شناسان و اقتصاددانان به اندازه او موفق نبوده‌اند. کوتاه سخن آن که هیچ‌یک از گونه‌های ادبی و هنری به اندازه رمان ارتباط‌های فرهنگی و فکری را با چنین گستردگی در جامعه‌های انسانی پدید نمی‌آورد و همیشه نشان‌دهنده دست‌کم پاره‌ای از واقعیت‌های حاکم بر جامعه است و رمانی که بکلی با واقعیت تاریخی و



زمان بیگانه است، رمان نیست بلکه یک نوشته پندارگرایانه ناب است.

باری رمان به مفهوم تازه آن کمی پیش از پایان حکومت قاجاریان از غرب به ایران آمده است. در زمان قاجاریه سفر ایرانیان به اروپا بیش از گذشته است و با این سفرها، با ادبیات و نوشته‌های غربی آشنا می‌شوند و آن‌ها را به فارسی برمی‌گردانند. این ترجمه‌ها اغلب نشر بود تا شعر، زیرا ترجمه شعر همیشه دشوارتر از ترجمه نثر است. همچنین گسترش روزنامه‌نگاری، سبک نوشتن را که تا پیش از آن بسیار پیچیده و مفلک و بیش‌تر بازی با واژه‌ها و لفاظی‌های بوج و تهی از معنی بود، به ساده‌نویسی گرایش داد. چنان که سفرنامه میرزا صالح شیرازی، بیستان‌السیاحه، زین‌العابدین شیروانی، سفرنامه‌های ناصرالدین‌شاه و مظفرالدین‌شاه قاجار خواه نوشته خود آنان باشد یا دیگران از نخستین نمونه‌های نثر ساده این دوره است. روزنامه‌ها و مجله‌ها که در جستجوی خوانندگان بیش‌تراند و برای

همگان می‌نویسند، سبک نگارش ساده دارند، و اولین ترجمه‌های رمان مانند ترجمه کنت مونت کریستو و سه تفنگدار الکساندر دوما، نمایشنامه‌های میزافتحعلی آخوندزاده، حاج بابا اصفهانی، ژیل بلاس، که همگی به نثر ساده است. همچنین با آموزش زبان‌های خارجی در دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها، شمار مترجمان و ترجمه‌ها نیز فزونی یافت که به گسترش ساده‌نویسی یاری کرد.

با این که از آغاز پیدایی نخستین رمان به مفهوم امروزی یک سده می‌گذرد و شمار خوانندگان رمان و به ویژه رمان‌های ترجمه رو به افزایش بوده است، تولید رمان در ایران گسترش چشمگیری نداشته است و پاسخ به چرایی این رکود در این گفتار نمی‌گنجد. با این‌همه در میان رمان‌ها، آنچه داریم، رمان متعهد یعنی طرح مسئله‌های اجتماعی و به مفهوم گسترده آن بیش از زمان‌های دیگر است. شاید به این دلیل که فضای استبداد و خفقان مزمن و نهادی‌شده، بیش‌تر کسانی را که می‌توانستند بنویسند - و گروه کوچکی بودند - به انتقاد افشارگری آشکار یا نهفته از قدرت حاکم وامی‌داشت و این نویسندگان برای خود این رسالت را می‌شناختند که به گونه‌ای آشکار یا پنهان از قدرت حاکم انتقاد کنند و ستمگری‌هایشان را نمایان سازند.

با آوردن نمونه‌هایی از این نوشته‌ها، راه پیموده‌شده و فراز و فرود رمان سیاسی و متعهد فارسی را بهتر می‌توانیم بشناسیم. نخستین رمان‌هایی که به فارسی نوشته شد همگی اجتماعی و سیاسی است، زیرا آگاهان اجتماعی که می‌توانستند بنویسند با دیدن فشارها، فساد و بدی کار سازمان‌های اداری، قضایی و سیاسی این نیاز را احساس می‌کردند در برابر جامعه مسوولیت و وظیفه دارند که از فساد دستگاه حاکم و سازمان‌های اداری و قضایی و سیاسی‌اش انتقاد کنند.

این پدیده نشان‌دهنده این واقعیت است که با فشار و استبداد، اعتراض به آن و انتقاد از بدی کار دستگاه‌های حاکمیت خاموش نمی‌شود، بلکه به گونه‌های دیگر پدید می‌آید که ساده‌ترین و کم‌خطرترین آن شوخی و لطیفه‌های نوشته‌نشده و شفاهی است که مردم و همه گروه‌های اجتماعی در انتقاد از مسوولان کشور می‌سازند که شماری از آنان به تندی برق و باد در جامعه دهان به دهان می‌گردد. گردآوری این لطیفه‌ها بی‌گمان منبع باارزشی برای پژوهش‌های ادبی و شناختن فضای اجتماعی و سیاسی یک دوره است. ولی سخن نوشته‌نشده، دست‌کم در این روزگار ماندنی نیست و زود فراموش می‌شود، بی این که بتوان گفت آن‌چه که

نوشته شده یا می‌شود ماندنی است. یادآوری کنیم که این مقاله نقد ادبی نیست و تاریخچه کوتاهی است از رمان سیاسی در ایران. پاسخ به پرسش‌هایی در زمینه اصالت رمان و نوآوری‌اش و این که آیا متأثر از نوشته نویسنده دیگر است و آیا قهرمانان این رمان‌ها فقط ساخته ذهن نویسنده‌اند یا در جهان بیرون واقعیت دارند و آیا نویسنده آگاهانه با پرداختن به برخی از مسئله‌های روز خواسته به قدرت حاکم نزدیک شود و پاداشی بگیرد یا با تغییر نامی آشکارا به کسی بتازد؟ و این که آیا نوشته نظم منطقی روشنی دارد یا پراز آشفتگی است و آیا نارسایی‌هایی در فارسی نویسنده هست؟ و پرسش‌های دیگر در این زمینه، بیرون از این بررسی است و نقد، روش‌های ویژه خود را دارد که در این‌جا به کار گرفته نشده است (نک: شیوه‌های نقد ادبی، و محمدتقی صدیقیانی انتشارات علمی ۱۳۶۶). امیدوارم بتوانم چنین کاری را در تالیف دیگری انجام دهم. هدف در این مقاله فقط شناساندن رمان‌های سیاسی نویسندگان ایرانی در چهارچوب تعریفی است که از سیاست در آغاز این گفتار شده است و آن هم به کوتاهی بسیار، و بی‌گمان با تعریف دیگر از سیاست شمار رمان‌های سیاسی می‌تواند بیش‌تر یا کم‌تر شود. این نوشته فقط رمان‌هایی را برمی‌رسد که مستقل و به صورت کتاب چاپ شده است و آن‌ها که پاورقی روزنامه‌ها و مجله‌ها بوده در این بررسی نیامده است. همچنین هرچند نام اغلب داستان‌های کوتاه که مستقل چاپ شده در این گفتار آورده شده ولی به ندرت به ماهیت آن‌ها اشاره رفته است، زیرا در این مقاله قصد بررسی داستان‌های بلند است و نه کوتاه. (درباره داستان‌های کوتاه و پاورقی‌ها نگاه کنید به صدسال داستان - نویسی در ایران، تالیف حسن عابدینی، انتشارات تندر، ۱۳۶۶).

باری نخستین رمان‌های سیاسی کمی پیش از آغاز انقلاب مشروطه در ایران نوشته شد. دو رمان "سفرنامه ابراهیم بیک با بلای تعصب او" نوشته زین‌العابدین مراغه‌ای که در سال ۱۸۸۸ میلادی برابر ۱۲۶۶ خورشیدی در استانبول چاپ شد (نقل از ص ۳۰۹ از صبا تا نیما) و "مسالک‌المحسنین" از عبدالرحیم طالبوف که ۱۳۱۰ ه.ق منتشر شد، هر دو به صورت سفرنامه نوشته شده و رمان سیاسی است و سخت از قدرت حاکم در کشور انتقاد می‌کنند. مراغه‌ای که کتابش را بیرون از ایران نوشت و همان‌جا درگذشت راه چاره را در بودن یک رهبر مانند شاه عباس، نادرشاه یا امیرکبیر می‌داند ولی طالبوف راه چاره و

بیشرفت کشور را در فرا گرفتن علوم و فنون غرب می‌داند. طالیوف کتاب‌های دیگری دارد مانند "احمد یا سفیه طالبی" که بیش‌تر نوشته‌های در زمینه نظریه سیاسی است تا رمان سیاسی. گونه‌های دیگر از رمان‌های سیاسی این دوره، رمان‌های تاریخی-سیاسی است که رویدادهای آن مربوط به گذشته‌های دور است. مانند "شمس طغرا" نوشته محمدباقر خسروی در ۱۳۲۸ ه.ق. وقایع این داستان در زمان سلطه مغولان روی می‌دهد. "مجمع دیوانگان" در ۱۳۵۳ خورشیدی، "دام‌گستران" یا انتقام خواهان مزدک، در ۱۳۵۳ خورشیدی، "داستان مانی نقاش" در ۱۳۵۵ خورشیدی، "سیاه‌پوشان" درباره ابومسلم هر چهار نوشته‌های صنعتی‌زاده است. "ستاره لیدی، عشق و سلطنت"، "شاهزاده خانم باطلی" هر دو نوشته شیخ موسی نثری همدانی در ۱۳۵۳ خورشیدی، "ستاره لیدی... به نام عشق و سلطنت یا فتوحات کوروش کبیر" نیز چاپ شده است، "گفتار خوش بارقلی" از شیخ محمد بن اسماعیل محلاتی نجفی غروی در ۱۳۴۳ ه.ق. (سفرنامه و داستان تاریخی است در رد بهابیت همراه با بحث‌های اجتماعی و مذهبی). در همه این رمان‌های تاریخی-سیاسی نویسندگان با آوردن مثال‌های تاریخی گونه‌گون می‌کشند تا از وضع اجتماعی و سیاسی روز انتقاد کنند. از دوره رمان‌های سیاسی اجتماعی به‌گونه سفرنامه و داستان‌های تاریخی به رمان مفهوم ویژه آن می‌رسیم که شناخته‌شده و مهم‌ترین آن‌ها آورده می‌شود: "تهران مخوف" از مشفق کاظمی چاپ دوم ۱۳۵۳ خورشیدی رمان سیاسی و اجتماعی است که نویسنده از خلال مسئله‌ها و مشکلات خانوادگی از برخی رویدادهای سیاسی و اجتماعی و به ویژه از کودتای نظامی ۱۳۹۹ سیدضیاءالدین طباطبایی و رضاخان میرنچ سخن می‌گوید و از این که استبداد در همه جا حاکم و آزادی‌خواهان، ایران‌دوستان و اصلاح‌طلبان در زندان اند متأسف است. همین نویسنده رمان‌هایی دیگر به نام‌های "گل پژمرده"، ۱۳۵۸ خورشیدی، "رشک پربها"، ۱۳۵۹ خورشیدی در زمینه‌های اجتماعی دارد که خوانندگان کم‌تری داشت. عباس خلیلی مدیر روزنامه اقدام که بیش‌تر روزنامه‌نگار بود تا داستان‌سرا چندین رمان و داستان دارد که اغلب کوتاه است مانند "روزگار سیاه" در ۱۳۵۳، "اسرار شب" در ۱۳۵۵، "پیر چاک هندی" ۱۳۵۶، "انتقام" ۱۳۵۷، "دیرسمعان بی‌تا"، "زندانیان"، بی‌تا، "چال‌گاو" (داستان زن سیاه) ۱۳۴۴ ه.ق.، "شارلوت"، بی‌تا و چند داستان دیگر. این داستان‌ها بیش‌تر درباره محرومیت و وضع بد اجتماعی زنان

است و گاه به‌گاه محرومیت و عقب‌ماندگی زنان را با احتیاط با عوامل سیاسی پیوند می‌دهد. بحث درباره وضع بد زنان در پیرامون سال‌های ۱۳۵۵ خورشیدی موضوع روز بود، چنان که یحیی دولت‌آبادی که شهرتش در نوشتن تاریخ مشروطه (تاریخ یحیی) است نیز رمانی به نام "شهرناز" در حدود سال‌های ۱۳۵۵ نوشته و درباره زندگی یک زن و شکست‌ها و رنج‌های او در زندگی است. محمد حجازی چندین رمان به نام‌های "هما"، "زیبا"، "پرچهر"، "پیام"، "آرزو"، "پروانه"، "آهنگ"، "سرشک"، "ساغر"، "درویش قربان"، "نسیم"، "اندیشه"، "رویا" نوشته است. در میان همه این رمان‌ها "زیبا" که چاپ نخست آن در ۱۳۵۹ خورشیدی است از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و بیش از رمان‌های دیگر حجازی دارای زمینه‌های اجتماعی و سیاسی است و از فساد دستگاه اداری و سیاسی حاکم پیش از به قدرت رسیدن رضاشاه، یعنی سال‌های ۱۳۵۵ خورشیدی سخن می‌گوید. "زیبا" و "هما" از شاخص‌ترین اثرهای حجازی است و "هما" که نخستین بار در سال ۱۳۵۶

● رمان سیاسی باید بتواند واقعیت‌های زندگی ملی را بنمایاند و گونه کم‌ارج بوده و پیامش برای انبوه خوانندگان بومی نامفهوم خواهد بود.

● با اینکه از آغاز پیدایی نخستین رمان به مفهوم امروزی یک‌سده می‌گذرد، تولید رمان در ایران گسترش چشمگیری نداشته است.

چاپ شده نیز درباره وضع اجتماعی زندگی زنی از خانواده مرفه است. در همین زمینه باید از دورمان ربیع انصاری، "جنایات بشر یا آدم‌فروشان قرن بیستم" در ۱۳۵۸ خورشیدی و "سیزده عید" در ۱۳۱۱ که در باره وضع بد اجتماعی زنان و فساد دستگاه اداری و سیاسی گذشته است باید یاد شود. احمدعلی خداداد تیموری نیز در رمان "روزگار سیاه کارگر" که در ۱۳۵۵ خورشیدی نوشت از وضع بد کارگران و به ویژه دهقانان و کارگران زن نکته‌هایی دارد. محمدمسعود دهاتی مدبر و نویسنده پراخ‌شکر روزنامه "مرد امروز" از ۲۹ مرداد ۱۳۲۱ تا ۲۶ بهمن ۱۳۲۶ در رمان‌های "در تلاش معاش" ۱۳۱۲ خورشیدی، "اعرف مخلوقات" ۱۳۱۳، "تفریحات شب"

۱۳۱۳، "بهشت آرزو" و "گلپهانی که در جهنم می‌رویید" در سه جلد ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۴ که همگی به سبک روزنامه‌نگاری نوشته شده به پاره‌ای از مسئله‌های اجتماعی و سیاسی مانند کم‌کاری، فساد اداری، رشوه‌خواری و فشارها می‌پردازد. محمد مسعود دو کتاب دیگر نیز به نام‌های خوشبختی برای همه" و "قاتل کیست" دارد که شهرت کم‌تری داشت.

بپذیریم که از زمان نوشته شدن رمان "سفرنامه ابراهیم بیگ تا سال‌های پیرامون ۱۳۲۵ خورشیدی یعنی پایان سلطنت رضاشاهی، رمان به طور عام و رمان سیاسی به ویژه پیشرفت و درخشندگی چندانی نداشته است. "زیبا"ی حجازی استثنا بر این قاعده است. موضوع رمان‌ها در دوره رضاشاهی اغلب یک‌تواخت و یکسان است و گاهی چنین به ذهن می‌رسد که چندین رمان و نوشته کم‌وبیش همزمان درباره زن بخواست قدرت حاکم بوده است. همچنین در این دوره کسانی بودند که با سرودن شعر، نوشتن داستان و رمان سخت مخالف بودند. احمد کسروی نماینده شناخته‌شده این تفکر است و اندیشه‌هایش را در این زمینه در "در پیرامون ادبیات" ۱۳۲۱ خورشیدی آورده است. با این‌همه از محمدعلی جمال‌زاده و صادق هدایت دو نویسنده بزرگ این دوره که هر دو از برکارترین و از پایه‌گذاران و نامداران داستان‌نویسی کوتاه ایران‌اند و رمان و داستان‌های بلند نیز نوشته‌اند، باید یاد کنیم. نوشتن داستان‌های کوتاه در ایران دیرتر از داستان بلند و رمان‌نویسی آغاز شده است. این هر دو نویسنده برخی از نوشته‌هایشان را - جمال‌زاده بیش از هدایت - در بیرون از ایران نوشته و منتشر کرده‌اند.

در این‌جا پیش از آن که از نامداران داستان‌های بلند سخن بروم، ناروا است اگر از علی‌اکبر دهخدا این پژوهنده بزرگ و از نخستین نویسندگان داستان‌های کوتاه در ایران، یاد نشود. این داستان‌ها زیر عنوان "چرند و پرند" در روزنامه صوراسرافیل منتشر می‌شد و دهخدا با طنز ویژه خود بسیاری از مسئله‌های اجتماعی و سیاسی روز را در آن‌ها آورده است. کریستف بالائی به حق در ص ۱۲۳ "سرچشمه‌های داستان کوتاه فارسی" (انتشارات پاپیروس ۱۳۶۶) می‌نویسد: "... داستان‌های این اثر که همگی کامل هم هستند، آینه‌کاری‌هایی کوچکنده که در آن پیچیدگی واقعیت‌های اجتماعی سیاسی ایران در اوایل قرن بیستم بازتابانده می‌شود...".